

بسم الله الرحمن الرحيم

ندای نصرت خواستن فلسطین اسیر از ارتش‌های امت اسلامی

(ترجمه)

ما این ندا و فریاد را از مسجدالأقصی مبارک بلند می‌کنیم، که شاید این ندا به گوش‌های آگاه و قلب‌های باز و مخلص که صاحبان قدرت و نیرو از لشکریان مسلمانان هستند، برسد. پس فوری برای نجات مسلمانان فلسطین و مسجدالأقصی اسیر حرکت کنید و سلطه‌ای ستمگران و ظالمین و حاکمان وفادار به رژیم یهودی غاصب را نابود کنید!

از آنجایی که در سطح سیاسی نزدیکی و هماهنگی امنیتی شدیدی بین حاکمان و دشمنان وجود دارد و در مقابل بین آن‌ها و مردم فلسطین فاصله‌های زیادی است، این ندا را از بطن ناشی از اشغال، فقر، ذلت بر زبان می‌آوریم!

ما در مورد حمله به افراد غیرمسلح، مسدود کردن مداوم جاده‌ها، دستگیری‌ها، مالیات وضع کردن‌ها، تخلفات و تخریب خانه‌ها و از این قبیل امورات زیاد با صدای بلند ندا می‌زنیم.

شکایت مستضعفین و کمک خواستن از قوی‌ها طبیعت زندگی است؛ چنانکه رسول الله صلی الله علیه و سلم چنین کردند؛ قسمی که گفتند:

«اللهم إلیک أشکو ضعف قوتی، وقلة حیلتي، وهوانی علی الناس، یا أرحم الراحمین، أنت رب المستضعفین، وأنت ربی، إلی من تکلنی، إلی بعید یتجهمني، أم إلی عدو ملکته أُمري، إن لم یکن بک علی غضب فلا أبالی، ولكن عافیتک هی أوسع لی، أعود بنور وجهک الذي أشرق له الظلمات، و صلح علیه أمر الدنيا والآخرة، من أن تنزل بی غضبک، أو یحل علی سخطک، لك العتبی حتی ترضی، ولا حول ولا قوة إلا بک»

ترجمه: پروردگارا! از کم شدن تاب و توانم و بسته شدن راه چاره در برابرم و خفت و خواری‌ام در نزد مردمان به تو شکایت می‌کنم. ای مهربان‌ترین مهربانان! تو پروردگار مستضعفان و پروردگار منی. مرا به چه کسی وا می‌گذاری؟ به بیگانه‌ای که بر من پرخاش نماید یا به دشمنی که زمام امور مرا به او سپرده‌ای؟ اگر تو بر من خشم نگیری، من هیچ باکی ندارم، اما آسایش و آرامشی که برایم عنایت فرمایی، برای من گواراتر و سازگارتر است. به نور جمال تو که تاریکی‌ها بدان روشن شده و کار دنیا و آخرت با آن سامان یافته است، به تو پناه می‌برم! از این که خشم تو بر من فرود بیاید یا ناخشنودی تو شامل حال من نگردد و هرچه خاهی مرا عتاب کن تا سرانجام از من خشنود گردی! هیچ کس را جز تو توان و نیرویی نیست، مگر از جانب تو.

به تکرار از اهل قوت و نیرو طلب نصرت نمود تا این که الله سبحانه و تعالی اهل یثرب را بر او مقدر کرد؛ پس علیه دعوت‌اش موانع و مخالفت‌هایی که وجود داشت، بر طرف شد و برای نخستین بار تهداب دولت اسلامی گذاشته شد. بدین اساس، مرحله ضعف پایان یافت و مرحله استخلاف آغاز شد و گریه‌هایی که رسول الله صلی الله علیه و سلم که توسل به پروردگارش داشت، نتیجه‌بخش گردید و با طلب کمک از قدرتمندان، رهبران و بزرگان قبایل ندایش مثبت و پربار گردید.

اما در مورد ولی گرفتن و یا دوستی با کفار هیچ موضوعی در فقه اسلامی به اندازه مسئله دوستی با دشمنان و ائتلاف با آنها مورد توجه، صراحت و شدت حرمت قرار نگرفته است؛ خصوصاً سطح سیاسی حاکمی که در این عصر وجود دارد. فقه وسعت گسترده‌ای از ابواب فقه سیاسی را به خود اختصاص داده و در مذاهب مختلف اسلامی در این رابطه اجماع و توافق وجود دارد. پس حرمت دوستی با دشمن در اسلام واضح و آشکار است. با همه این اوصاف، هنوز و خصوصاً در این عصر کسانی را می‌یابیم که در وصف واقعیت دشمن بازی می‌کنند و گردن نصوص مربوطه را می‌پیچند و منفعت را که ذهن محدود آنها تعیین می‌کند، جایگزین آنها می‌کنند، و این ضرب المثل را پذیرفتند: "دوستان دائمی و دشمنان دائمی یافت نمی‌شود؛ اما منافع دائمی یافت می‌شود" پس دشمن این موضوع را در میان مسلمانان خلط نموده و رسانه‌های فاسد دشمن چشم‌های‌شان را جادو کردند و دشمن آنان را دوست و دوست را دشمن جلوه داد.

اما شناخت دشمن به این آیه ثابت است که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ﴾ [ممتحنه: 1]

ترجمه: ای مؤمنان! دشمنان من و دشمنان خویش را به دوستی نگیرید! شما نسبت بدیشان محبت مکنید و مودت مورزید، در حالی که آنان به حق و حقیقتی ایمان ندارند که برای شما آمده است!

پس دشمنان الله و دشمنان امت کسانی هستند که به اسلام کفر ورزیده‌اند و حالت دشمنی با آنها باید دائمی باشد. باید دشمنان همیشه در خط آتش و مقابله و چالش باشند و در حالت دشمنی استراحت وجود ندارد؛ چون کافر پیروی شیطان است و مسلمان پیروی رحمان؛ پس جنگ رحمان با شیطان تا روز قیامت ادامه دارد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾ [فاطر: 6]

ترجمه: بی‌گمان شیطان دشمن شما است، پس شما هم او را دشمن بدانید (و از مکر و کید او یک لحظه غافل نمانید و از وسوسه‌های او پیروی نکنید)!

اما کافر معاهد، یا ذمی یا مستأمن از این اصل مستثنی است و در صورت حذف به قاعده اصلی بر می‌گردد. نصوص شرعی مسلمانان را از دوستی با کفار، با تمامی معانی که موالات (دوستی) در زبان عربی دلالت دارد، نهی کرده است، که مهمترین آنها عبارتند از: نصرت، مساعدت کردن، مشاوره، محبت، نصیحت، صداقت، اعتماد، فرمانبرداری و تسلیم شدن و یا مثل و مشابه به چنین معانی؛ پس حکم قطعی آن در شریعت حرام است. بناءً برای مسلمان جایز نیست که از کافر حمایت کند، او را یاری رساند، با او مشورت کند، او را دوست داشته باشد، نصیحت کند، دوستی با او داشته باشد، بر او تکیه کند، تسلیم او باشد و با رضایت او تسلیم‌اش شود، و یا در امنیت با او همکاری کند، یا نظامی، یا اجتماعی، یا سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، و یا اعیاد مذهبی او را تبریک بگوید و گرنه به او دوست است و قاعده دوستی یا موالات در موردش جاری است؛ مگر در حالت تقیه. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً﴾ [آل عمران: 28]

ترجمه: مگر آن که (ناچار شوید و) خویشتن را از (اذیت و آزار) ایشان مصون دارید و (به خاطر حفظ جان خود تقیه کنید)!

و این حالت ضعف مربوط به افراد مسلمانان است که تابع حاکمیت کفار هستند و در معرض انواع آسیب‌های واقعی اعم از جان و مال خود هستند. اما در غیر این مورد دوستی (موالات) مسلمانان با کافران به هیچ وجه جایز نیست. به ما ثابت شده است که مفهوم دشمن و موالات وقتی که مخدوش شد، حکومت عثمانی ویران گردید و سرزمین‌های مسلمانان منقسم شد، فلسطین و کشمیر از دست رفت و مسلمانان دوچار ذلت، فقر و مصائب شدند که در تاریخ سابقه نداشته است.

همانا الله سبحانه و تعالی عذر مسلمانان ضعیف الایمان را که با کافران از روی قدرت یا برای کسب عزت یا غیر آن موالات یا دوستی می‌کنند، رد کرده است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا الَّذِي يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ أَيْبَتُونَ عِنْدَهُمْ الْوَعْدَةَ فَإِنَّ

الْوَعْدَةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ [نساء: 138-139]

ترجمه: به منافقان مژده بده که عذاب دردناکی دارند! این منافقان کسانی هستند که کافران را به جای مؤمنان به سرپرستی و دوستی می‌گیرند. آیا عزت را در پیش کافران می‌جویند؟ (چنین چیزی محال است) چرا که عزت و شوکت جملگی از آن الله است (و هر که از خدا عزت جوید عزیز شود، و هر که از غیر او عزت طلبد ذلیل گردد).

الله سبحانه و تعالی تأکید می‌کند که مسلمانان کسانی‌اند که دوستی (موالات) با الله خود دارند و الله را حجت آشکار خود می‌گیرند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا﴾ [نساء: 144]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کافران را به جای مؤمنان به دوستی نگیرید. مگر می‌خواهید حجت و برهان آشکاری علیه خود به دست خدا دهید (بر این که شما هم جزو منافقانید؟).

و پس از آنکه الله سبحانه و تعالی آنان را منافق توصیف کرد، وصف دیگری بر آنان افزود و آن این است که نه مسلمان هستند و نه کافر. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذْبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [مجادله، 14]

ترجمه: آیا آگاهی از کسانی که گروهی را به دوستی می‌گیرند که الله بر آنان خشمگین است. اینان (منافقانی بیش نبوده و) نه از شمایند و نه از آنانند. چنین کسانی بگونه‌ای آگاهانه سوگند دروغ یاد می‌کنند!

و سپس الله سبحانه و تعالی با کلمات صریح که هیچ قابل تأویل نیست، می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ ۚ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ ۗ﴾ [مائده: 51]

ترجمه: ای مؤمنان! یهودیان و مسیحیان را به دوستی نگیرید (و به طریق اولی آنان را به سرپرستی نپذیرید). ایشان برخی

دوست برخی دیگرند (و در دشمنی با شما یکسان و برابرند). هرکس از شما با ایشان دوستی ورزد (و آنان را به سرپرستی بپذیرد) بیگمان او از زمره‌ای ایشان بشمار است.

لذا این آیات و دلایل به بطلان آنچه حاکمیت فلسطینی و بعضی از حکام مسلمانان که با رژیم یهود غاصب سرزمین مبارک فلسین پیمان و روابط برقرار می‌کنند، کفایت می‌کند.

دوستی (موالات) با کفار سبب همه بلاها و مصدر یا سرچشمه همه شرها و ریشه همه بیماری‌ها است. خطرهای موالات با کفار نفوذ آن در جبهه‌های مسلمانان است. مثلاً: نگاه کوتاه در ارتباط به روابط ایران با امریکا کنید که اگر ایران در تصمیم‌گیری سیاسی اسلامی و بخصوص در مورد پرونده هسته‌ای مستقل می‌بود، با آژانس بین‌المللی انرژی رابطه نمی‌داشت، به امریکا و اتحادیه اروپا نمی‌پیوست و وارد تونل‌های تاریک سیاست نمی‌شد؛ چنانکه گروه‌های سوری زمانی که قبلاً رو آوردند، نابود شدند.

و اما در مورد تشکیلات خودگردان فلسطین، آن‌ها از دوستی (موالات) شناخته شده، فراتر رفته‌اند؛ پس از به رسمیت شناختن حاکمیت دشمنان بر سرزمین‌های خود، به سمت عادی‌سازی و هماهنگی امنیتی با آن‌ها پیش رفتند و مسلمانان را انکار کردند و به کفار اشغالگر روی آوردند! به عمر رضی الله عنه گفته شد که اینجا مردی از نصرانیان حیره است که هیچ کسی در رابطه به بدی او چیزی ننوشته و از قلم او خطای ندیده؛ آیا او را کاتب تو تعیین نکنیم؟ و گفت: «غیر از مؤمنان نباید کسی دیگری محرم اسرار گرفته شود.» و به ابو موسی اشعری گفت: «آن‌ها (غیر مسلمانان) را اختیار مکن در حالی که الله (سبحانه و تعالی) آن‌ها را رها نموده و هم‌چنان آن‌ها را تکریم مکن؛ چون الله آن‌ها را زبون و ذلیل نموده است و به آن‌ها اعتماد مکن؛ زیرا به الله سبحانه و تعالی خیانت نموده‌اند.» قرطبی گفت: «اگر این برای یک کاتب باشد؛ پس چگونه خواهد بود که کفار را به عنوان مشاور، امین، دوست و باور خود بگیریم؟»

در پایان، همه مسلمانان را خطاب قرار می‌دهم که: اگر اراده داشته باشید ما را نصرت دهید و تصمیم تان این باشد که به ندای مان لبیک و استجابت گوید، بر شماست که لباس سعی و تلاش را در این راه بر تن نمائید! همراه با دعوتگران این راه که به خاطر حاکم کردن و اظهار نمودن دین اسلام و اقامه دولت خلافت راشدانه ثانی بر منهج نبوت کار می‌کنند، همکاری کنید! چنانکه به ندای رسول الله صلی الله علیه وسلم خزرگی‌ها لبیک گفتند و در یثرب انقلاب اساسی را ایجاد کردند که به مدینه منوره یاد گردید. پس از شما می‌خواهم که مشابه به همان انقلاب مبارک، یک انقلابی اساسی را ایجاد نماید تا به سعادت دارین برسید! الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: 21] ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) بر کار خود چیره و مسلط

است، ولی بیشتر مردم (خفایای حکمت و لطف تدبیرش را) نمی‌دانند.

نویسنده: شیخ عصام عمیره

مترجم: پارسا «امیدی»